

Analysis of the Rationale behind Policies and Actions of Iranian Banking System Actors

Nima Lotfiforoshani*
Ali Rezaeian**
Hamid Reza Fartokzadeh***

Received: 09/10/2017

Accepted: 16/04/2018

Abstract

Numerous studies have been conducted about Iranian banking system and various dimensions of this phenomenon have been investigated; yet these studies have not concentrated on the rationale behind the policies and actions of those involved in the Iranian banking system. This study describes the rationale behind three major actors of Iranian banking system, namely the government, banks (private and public) and customers (retail and corporate). Using a multi-layer analysis, it has been tried to portray the blind spots in the country's banking system. In order to explore the relationships, 25 open interviews have been conducted with experts from different influential groups involved in the system. After a three-layered classification and analysis of these, the dominant atmosphere of the banking interactions and the existing complex problems have been explained. At the end, the areas of policy-making for improving the current situation have been determined. Validation of the results has been done through the focal group.

Keywords

Banking, Iran, Usury-free Banking, Islamic Banking.

JEL Classification: O20, H10, G40, G29, G28, E70, E62, E61, E58.

* Ph.D. Student of Systems Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author), m.lotfi@gmail.com

** Professor at Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, a-rezaeian@sbu.ac.ir

*** Associate Professor at Malek Ashtar University of Technology, Iran, Tehran, hr.fartokzadeh@gmail.com

واکاوی خردمایه حاکم بر سیاست‌ها و اقدامات کنشگران نظام بانکی ایران

نیما لطفی فروشانی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷

علی رضائیان **

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

حمیدرضا فر توک زاده ***

چکیده

مطالعات متعددی درباره نظام بانکی ایران صورت پذیرفته و این پدیدار از ابعاد مختلفی بررسی شده است؛ لکن این مطالعات به خردمایه حاکم بر سیاست‌ها و اقدامات بازیگران مختلف این نظام نپرداخته‌اند. در این پژوهش سعی بر این است که با بررسی خردمایه سه گروه نقش‌آفرین در این نظام شامل حاکمیت، بانک و مشتری به تحلیل جامعی از شرایط موجود پرداخته شود. این پژوهش با توصیف روابط میان بازیگران این زمین‌بازی با روش تحلیل چندلایه‌ای، سعی در به تصویر کشیدن نقاط کور نظام بانکی در کشور داشته است. بدین منظور ۲۵ مصاحبه باز با خبرگان گروه‌های مختلف اثرگذار در این نظام صورت پذیرفته که پس از دسته‌بندی و تحلیل سه لایه‌ای آنها، فضای حاکم بر تعاملات نظام بانکی و مشکلات مرکب و پیچیده موجود تشریح شده است. در پایان، حوزه‌های سیاست‌گذاری برای بهبود وضعیت موجود، مشخص شده‌اند. اعتباربخشی به نتایج از طریق گروه کانونی انجام شده است.

واژگان کلیدی

بانکداری، ایران، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: E58, E61, E62, E70, G28, G29, G40, H10, O20.

* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) n.lotfi@gmail.com

a-rezaeian@sbu.ac.ir

** استاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

hr.fartokzadeh@gmail.com

*** دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

مقدمه

روش‌های مختلفی برای حل علمی مسائل وجود دارد (دولانی و حریری، حسن‌زاده اسفنجانی، و ولی‌نژادی، ۱۳۹۱، ص. ۷۷). یکی از این روش‌ها، علت‌یابی و طبقه‌بندی علل در راستای فهم بهتر مسأله و ارائه راه‌حل‌های دقیق‌تر است. در این نگاه، باور پژوهشگر این است که یک مسأله تنها دارای لایه ظاهری نیست. بلکه برای فهم دقیق آن باید به عمق مسأله و لایه‌های دیگر آن پی‌برد (Inayatullah, 2005, p. 820).

پژوهش حاضر با همین دیدگاه به دنبال کشف علل واقعی مشکلات کنونی نظام بانکی در ایران است؛ لذا در این پژوهش سعی شده است تا بافهم مبانی تصمیمات و اقدامات نقش‌آفرینان اصلی نظام بانکی، ریشه مشکلات کشف‌شده و راه‌حلی در این زمینه ارائه گردد. با این نگاه پژوهش حاضر به دنبال فهم خردمایه نظام بانکی است.

۱. خردمایه

خردمایه، برگردان کلمه Rationale در زبان فارسی است. پیش از تعریف این واژه، به ریشه‌شناسی آن در زبان انگلیسی می‌پردازیم. ریشه این واژه، کلمه Rationale به معنی دلیل اساسی است. مهم‌ترین واژگانی که به‌عنوان مترادف برای واژه Rationale استفاده می‌شوند، عبارتند از: Basis, Ground, Logic, Philosophy, Reason.

تعاریف متعددی برای واژه Rationale در فرهنگ لغات انگلیسی مطرح‌شده‌اند که برخی از پرکاربردترین آنها عبارتند از: توصیف دلایل اساسی هرچیز، مجموعه‌ای از دلایل یا یک مبنای منطقی برای عمل یا عقیده‌ای خاص، توصیف اصول کنترل‌کننده یک عقیده، باور، شیوه یا پدیده، دلایل یا تعاملات مجموعه خاصی از تفکرات یا اقدامات.

با جمع‌بندی تعاریف فوق، می‌توان خردمایه را منطق، دلیل یا باور حاکم بر تصمیم یا اقدام دانست. پس با توجه به‌عنوان این مقاله، در ادامه به دنبال فهم منطق، دلیل یا باور حاکم بر نظام بانکی ایران خواهیم بود.

۱-۲. خردمایه نظام بانکی

مطالعه چنین مفهومی در نظام بانکی، نیازمند بررسی عمیق و موشکافانه نظام مذکور است؛ اما بایستی به این نکته توجه داشت که خردمایه حاکم بر بانکداری متعارف^۱

بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا با یکدیگر تفاوت دارند؛ لذا در ابتدا به اصول حاکم و کارکردهای اصلی هر یک از انواع بانکداری می‌پردازیم.

۲. بانکداری متعارف

امروزه نظام بانکی (متشکل از بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و سایر مؤسسه‌های اعتباری) نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل فعالیت‌های اقتصادی و به گردش درآوردن چرخ‌های پیشرفت اقتصادی ایفا می‌کنند. شبکه گسترده بانک‌های تجاری و مؤسسه‌های اعتباری با محوریت بانک مرکزی، کارکردهای مختلفی در اقتصاد یک کشور دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: کاهش هزینه‌ها و رونق مبادلات (مشبکی، ۱۳۷۴، ص. ۴۸)؛ واسطه‌گری از طریق تجهیز و تخصیص بهینه منابع (قره‌باغیان، ۱۳۷۳، ص. ۱۲) و بانکداری مرکزی و سیاست‌گذاری پولی (کميجانی، ۱۳۷۳، ص. ۴۴). این منطبق در بانکداری اسلامی فراتر است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱-۲. بانکداری اسلامی

بررسی ادبیات موجود در این حوزه به‌خوبی نشان می‌دهد که هرچند تعریف واحدی از بانکداری اسلامی ارائه نشده است و محققان گوناگون تعاریف مختلفی از این دانش ارائه داده‌اند (صدیقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴)، اما به‌نظر می‌رسد می‌توان این نوع از بانکداری را این‌طور تعریف نمود: «بانکداری اسلامی نوعی الگوی خاص یا مدل تعدیل‌شده‌ای از بانکداری متعارف است که در آن تلاش می‌شود تمامی روابط و مناسبات سازگار با شریعت و فقه اسلامی و در راستای اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام مانند عدالت و اخلاق تنظیم گردد» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱).

به‌طور مختصر می‌توان منطبق حاکم بر بانکداری اسلامی را چیزی فراتر از بانکداری متعارف دانست که حداقل در ابعاد عدالت‌محوری و اخلاق‌مداری، با بانکداری متعارف متمایز است؛ اما آنچه در نظام بانکداری ایران، به‌عنوان قانون بانکداری شناخته می‌شود، بانکداری بدون ربا است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۲. بانکداری بدون ربا

بعضاً در بین مردم القاء می‌شود هر بانکی که سود دریافت کند یا بپردازد اسلامی نیست. اگرچه در اسلام، در کنار تحریم ربا شاهد قراردادهای متعدد انتفاعی و غیرانتفاعی هستیم که یکی از مثال‌های نوع غیرانتفاعی آن قرض الحسنه است. در صورتی که قراردادهایی همچون مضاربه، جعاله، بیع و... وجود دارند که کاملاً اسلامی و انتفاعی هستند. از این رو سود بردن دلیل بر ربوی بودن یک سیستم نیست و از دیدگاه اسلامی یک بانک می‌تواند در عین اینکه کاملاً اسلامی باشد، سود دریافت کند و سود بپردازد (موسویان، ۱۳۹۰، ص. ۱۸).

حال اگر به دنبال خردمایه یا منطق حاکم بر بانکداری بدون ربا باشیم، می‌توانیم به ماده (۱) قانون عملیات بانکداری بدون ربا مراجعه نماییم. در این ماده که اهداف نظام بانکی را تشریح می‌نماید، در قالبی مختصر منطق حاکم بر این نظام توصیف شده است (قانون عملیات بانکداری بدون ربا).

۳. بیان مسأله

مسأله خردمایه نظام بانکی ایران، از دو منظر قابل بررسی است. از یک منظر، منطق یا عقلانیت حاکم بر قوانین و مقررات است. پرسش اینجاست که تا چه میزان روح حاکم بر این قوانین، با نیازمندی‌های ذی‌نفعان نظام بانکی سازگاری دارد. به عبارت دیگر، آیا این قوانین و مقررات پاسخگوی نیازهای جاری و آتی تمامی ذی‌نفعان نظام بانکی است؟ آیا واقعاً این قوانین مصداق بانکداری بدون ربا و تبعیت از فرامین اسلامی هستند؟ از دیگر منظر، مسأله اجرای قوانین و میزان پایبندی به آن در نظام بانکی است. در این بخش پرسش درباره میزان صحت عملکرد بانک‌ها و در صورت تخلف، دلایل آن است. این چالش‌ها را می‌توان به دو گروه نظری و اجرایی طبقه‌بندی نمود.

۳-۱. چالش‌های نظری

درباره اسلامی بودن قوانین بانکداری بدون ربا نکاتی ذکر شده که در ادامه به آن می‌پردازیم. طی چندین سال گذشته، اندیشمندانی هم از حوزه و هم از دانشگاه برداشت یکسان از ربا و بهره بانکی را به چالش کشیده‌اند. به عقیده ایشان، نظریه پردازن

بانکداری بدون ربا با غفلت از تفاوت‌های ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع قدیمی و امروزی، بهره‌بانکی را به اشتباه مصداق ربا تلقی می‌کنند، درحالی‌که هیچ‌کدام از آثار ربا یعنی ظلم، تعطیل معروف و فساد را نمی‌توانیم به‌طور علمی و تجربی در خصوص بهره بانکی در جوامع امروزی صادق بدانیم (غنی‌نژاد اهری، ۱۳۷۶، ص. ۳۱؛ اصغری، ۱۳۸۴، ص. ۲۱). گروهی دیگر نیز با طرح موضوع لزوم جبران کاهش ارزش پول به‌منظور جلوگیری از ایراد ضرور بر وام‌دهنده در شرایط تورمی که از قواعد مسلم فقهی است، نظریه رایج را که بر ارزش اسمی پول تأکید می‌کند و پول را مانند سایر کالاهای مثلی می‌داند، به‌چالش کشیده‌اند (بازمحمدی، ۱۳۸۵، ص. ۲۴).

همچنین، از جنبه حقوقی نیز نظریه فعلی بانکداری بدون ربا با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است. از این دیدگاه، رابطه وکالت که در نظریه فعلی بانکداری بدون ربا برای تبیین رابطه بین بانک و صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، معتبر نیست. این گروه از منتقدان، از جمله به این دلیل که برخلاف شرایط وکالت، صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری در بانک حق نظارت و کنترل بر عملیات وکیل (بانک) را ندارند، دریافت‌کنندگان تسهیلات بانک را طرف واقعی در قرارداد می‌دانند نه سپرده‌گذاران را، و فوت هریک از سپرده‌گذاران، وکالت بانک را باطل نمی‌کند. فرض وکالت بانک از سپرده‌گذاران را با قواعد حقوقی و فقهی مسلم ناسازگار می‌دانند (کاشانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۱).

اگرچه، بعضی از ایرادات وارد به قانون بانکداری بدون ربا مورد بررسی قرار گرفته است؛ لکن در مورد پاسخگو بودن قوانین و مقررات به نیازهای کنونی ذی‌نفعان نظام بانکی کمتر سخن به میان آمده است؛ لذا موضوع تناسب و سازگاری این قوانین با نیازمندی‌های فعلی در این مقاله بررسی خواهد شد.

۲-۳. چالش‌های اجرایی

بانکداری بدون ربا در خصوص تنظیم قراردادهای مالی بین بانک و دریافت‌کننده تسهیلات در معرض دو خطر بالقوه قرار دارد. این خطرها در ادبیات مالی به‌اختصار گزینش نامناسب^۲ و لغزش اخلاقی^۳ خوانده شده‌اند. هردوی این خطرها از مشکل

اطلاعات غیرمتقارن ناشی می‌شوند. به عبارت دیگر، هر یک از طرفین قرارداد مالی اطلاعاتی دارند که در قرارداد بر آن اتکا می‌کنند (بازمحمدی، ۱۳۸۵، ص. ۲۶). البته اشکالات متعدد دیگری نیز وجود دارد که برخی از آنها که طی مصاحبه‌های انجام شده استخراج شده‌اند، در ادامه مطرح خواهند شد.

۴. پیشینه پژوهش

مطالعات چندانی در خصوص خردمایه نظام بانکی صورت پذیرفته است. همان‌طور که در بخش بیان مسأله نیز عنوان شد، بیشتر تحقیقات صورت گرفته به تشریح و بررسی چالش‌های نظری و اجرایی نظام بانکی اکتفا نموده‌اند. در واقع شناسایی چالش‌ها به صورت چندلایه‌ای (یعنی توجه به رفتار کنشگران مختلف، ساختار بازی بین آنها و انگاره‌های آنها) در تحقیقات نادیده گرفته شده است. در ادامه به مطالعه‌ای در حوزه خردمایه نظام بانکی که در کشور سوئد صورت گرفته است، می‌پردازیم:

یکی از شاخص‌ترین مطالعات انجام شده در این حوزه، توسط ورا اسمیت^۴ در پایان‌نامه وی تحت عنوان «خردمایه بانکداری متمرکز و گزینه بانکداری آزاد» ارائه گردیده است. در کتابی که وی مبتنی بر این پایان‌نامه منتشر نمود، منطق حضور بانک مرکزی در نظام بانکداری، مقابل بانکداری آزاد مطرح می‌گردد (Smith, 1990, p. 25). همچنین در مقاله‌ای که توسط بانک تایلند تدوین شده است، خردمایه اقتصادی بانک مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه که عمدتاً با نگاه تاریخی به منطق وجود چنین نهادی می‌نگرد، وجود بانک مرکزی در اعصار مختلف در دنیا را به سه دوره تقسیم می‌نماید (Nacaskul, Jajaroen, & Suwanik, 2012, p. 17):

- قبل از قرن ۲۰ میلادی: این دوران خود به دو بخش تقسیم می‌شود:
 - بانک‌های مرکزی ابتدایی: این دوره مربوط به قرن ۱۷ میلادی است و در آن زمان بانک‌های مرکزی به‌عنوان وام‌دهندگان به دولت‌ها، فعالیت می‌کرده‌اند (Fischer, 1994, p. 74).

○ بانک‌های مرکزی وظیفه‌ای: در این دوره که قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی است، بانک‌های مرکزی به‌عنوان بانک دیگر بانک‌ها فعالیت می‌کردند (Fischer, 1994, p. 74).

- قرن ۲۰ میلادی: در این دوره بانک‌های مرکزی نوظهور شکل گرفتند. در این دوره مالکیت بانک‌های مرکزی تا حد زیادی از بخش خصوصی به دولت واگذار گردید و در موارد استثنا که مالکیت برعهده بخش خصوصی باقی ماند، این بانک‌های مرکزی به دولت خدمت‌رسانی می‌کردند (Fischer, 1994, p. 74).
- اواخر قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی: در این دوره بانک‌های مرکزی جدید شکل گرفتند و استقلال بانک‌های مرکزی به شکل نوین پدیدار شد (Fischer, 1994, p. 74).

۵. روش پژوهش

در ابتدا با مصاحبه‌های باز صورت گرفته با خبرگان دانشگاهی و صنعت، مفاهیم اصلی دریافت سپس براساس روش تحلیل چندلایه‌ای، سطوح مختلف مسأله واکاوی شده و در نهایت فضای سیاست‌گذاری براساس تحلیل چندلایه‌ای ترسیم گردید؛ یافته‌های این پژوهش به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول که الگوهای سه‌لایه‌ای و تحلیل روایت گونه آنها است که از طریق گروه کانونی باورپذیری و صحت روایت‌ها تأیید می‌شود؛ بخش دوم که توصیه‌های سیاستی یا بسته‌های سیاستی پیشنهادی است، حاصل فهم خلاقانه پژوهش‌گر از زوایای مختلف روایت‌ها است و از آنها استخراج می‌شود و به تأیید گروه کانونی می‌رسد. در ادامه، جزئیات روش تشریح شده است.

۵-۱. مصاحبه باز

با کاربرد روش گلوله برفی، تعداد ۲۵ مصاحبه باز (تا رسیدن به اشباع) با خبرگان فعال در حوزه بانکداری صورت پذیرفت. مشخصات مصاحبه‌شوندگان و نتایج مصاحبه به ترتیب در جداول (۳) و (۴) ارائه شده است. یکی از تفاوت‌های اصلی میان مصاحبه‌ها، میزان ساختاری است که پژوهشگر به پاسخگو تحمیل می‌کند. مصاحبه از لحاظ ساختاری می‌تواند از مصاحبه بسیار سازمان‌یافته که در آنجا هیچ تغییری نیست تا مصاحبه سازمان‌نیافته که اکتشافی و غیرمستقیم است، تغییر کند. در مصاحبه اکتشافی،

مصاحبه‌گر در مورد تعدادی از عناوین از پیش انتخاب‌شده در ذهن پاسخگو کاوش می‌کند ولی توجهی به پرسیدن پرسش‌های خاص به شکل از پیش تعیین‌شده ندارد. مصاحبه‌گر جنبه‌های متعددی از نظرات مصاحبه‌شونده را می‌کاود و موضوعات را آن‌طور که در گفتگو پیش می‌آیند مطرح می‌کند، عناوین جالب‌توجه را تعقیب می‌کند و به نیروی تحلیل و ابتکار خود مجال تاخت‌وتاز می‌دهد. در همین حال سعی وی، ایجاد فرضیه‌های جدید و آزمودن آن طی مصاحبه است (دلاور، ۱۳۸۹، ص. ۴۸).

بنابراین این پژوهش نیز دارای سؤالات متعدد و استاندارد از پیش تعیین‌شده نبود و به فراخور تخصص و تجربه مصاحبه‌شونده، سؤالات طی مصاحبه مطرح می‌گردید. این مصاحبه‌ها دارای تعدادی سؤال کلی بودند که به شرح جدول (۱) ارائه می‌شود:

جدول (۱): سؤالات اصلی و فرعی مصاحبه‌ها

ردیف	سؤالات اصلی	سؤالات فرعی
۱	آیا نظام بانکی دچار کج‌کارکردی‌های جدی و مهمی است؟	<ul style="list-style-type: none"> این کج‌کارکردی‌ها کدام‌اند؟ ایجادکنندگان این کج‌کارکردی‌ها کیستند؟ دلایل ایجاد این کج‌کارکردی‌ها چیست؟
۲	آیا تاکنون برای رفع این کج‌کارکردی‌ها تلاشی شده است؟	<ul style="list-style-type: none"> آیا مصادیقی از موفقیت و شکست در این موارد وجود دارد؟ دلایل شکست کدام‌اند؟ علل عدم استمرار برخی موفقیت‌های به‌دست‌آمده چیست؟

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۵. تحلیل چندلایه‌ای (سه لایه‌ای)

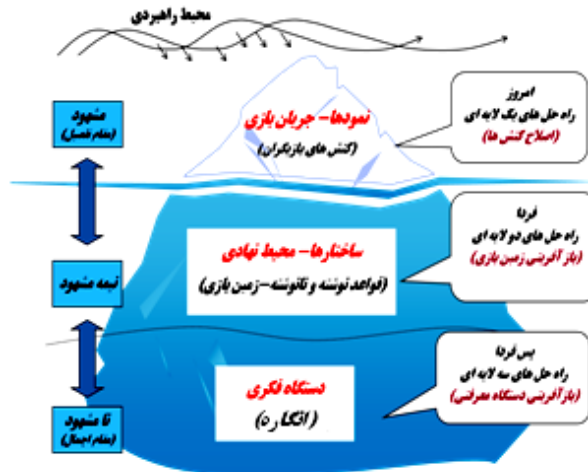
الگوهای چندلایه‌ای توصیف دقیق‌تری از مسأله ارائه می‌نمایند در این پژوهش برای پی‌بردن به رفتار، ساختار بازی و انگاره‌های ذهن بازیگران مختلف و توصیف آنها، الگوی چندلایه‌ای مورد کاربرد قرار گرفته است. در واقع، الگوی چندلایه‌ای (سه لایه‌ای) ابزاری است برای ترسیم چالش‌های حاکم بر منطق اداره نظام بانکی در کشور. (Inayatullah, 1998, p. 18; Schein, 1985, p. 25; Williamson, 2000, p. 21)

۵-۲-۱. الگوی سه‌لایه‌ای: منطقی برای شناسایی مسأله و ارائه راه‌حل

وجود انسانی و هرآنچه که مربوط به انسان است، علاوه بر لایه‌های آشکار ظاهری، لایه‌های نیمه‌آشکار و پنهان هم دارد. الگوی سه‌لایه‌ای صرفاً چارچوبی برای تبیین و تفسیر واقعیت اجتماعی نیست، بلکه منطقی است برای ارزیابی نظام معنابخشی کنشگران در یک میدان اجتماعی از منظر یک نگاه کلان و فرابخشی و همچنین ابزاری برای سیاست‌گذاری تعاملی (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۲، ص. ۱۶).

۵-۲-۲. پیچیدگی مرکب^۹ و الگوی چندلایه‌ای

پیچیدگی وضعیتی است که ما از فهم لایه‌های پنهان و قواعدی که بر مناسباتمان جاری است، درمی‌مانیم. به بیان دیگر، امکان خودفهمی و لایه‌برداری از شاکله جمعی‌مان را نداریم. الگوی سه‌لایه‌ای تلاشی است برای رمزگشایی از پیچیدگی. این الگو با نگاه رئالیسم انتقادی، واقعیت اجتماعی را در لایه‌هایی می‌بیند که باهم ارتباطی متقابل دارند. این الگو نسبت به واقعیت، خنثی و رهاشده برخورد نمی‌کند. اشکالات موجود در یک پدیدار، معلول ساختارها و انگاره‌های غلط است. بر این اساس باید در دستگاه فکری کنشگران و ایستارها و زیستارهای آنان جستجو کرد و براساس استعاره کوه‌یخ نشان داد که چگونه باید بالای کوه‌یخ را به واسطه پایین آن بفهمیم و پایین کوه‌یخ را به واسطه بالای آن. نظامی می‌تواند به آینده فکر کند که در تعریف مسأله و تولید راه‌حل به لایه‌های عمیق‌تر بپردازد. مسأله‌هایی را که در ظاهر امر لاینحل به نظر می‌رسند، به لایه‌های عمیق‌تر برده و فضای دیگری را برای حل آنها باز می‌کند؛ و برعکس با هوشیاری نسبت به شاکله و تشخیص انسدادهای آن اجازه ندهد مسائل پنهان و خاموش، در شرایط غیرمنتظره ظهور کرده و سبب غافل‌گیری راهبردی شود (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۷).



نمودار (۱): الگوی سه لایه‌ای (استعاره کوه یخی)

منبع: (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۷)

لایه اول: لایه آشکار، رویه‌ی آشکار و واقعیت‌های اجتماعی است. جایی که کنش‌های بازیگران این نظام را می‌توان دید. جایی که مسأله‌ها ظهور می‌کنند و علائم آشکار خود را نشان می‌دهند. واقعیت را می‌توان به کوه‌یخ تشبیه کرد که لایه‌های پنهان آن بسیار قوی‌تر و تعیین‌کننده‌تر از لایه‌های آشکارند. باید توجه داشت که در لایه اول ما با کنش‌های عادی و روزمره کنشگران عرصه‌های مختلف اقتصاد روبرو هستیم؛ اما به‌طور ساده، در پس کنش‌های مشهود، رفتارها و دستاوردها، دولایه مهم وجود دارد که درک این لایه‌ها نیز ضروری است.

لایه دوم: لایه نیمه‌آشکار، ساختارهای عینیت‌یافته و قواعد نهادی، نمودها، دستاوردها، پیامدها، حوادث و واقعیت‌ها از ساختارها و قواعد عینیت‌یافته تأثیر می‌پذیرند. این قواعد که در بافت بازی‌ها پنهان شده‌اند توافق‌های باثبات و چارچوب‌های نهادی مستتری هستند، که فرایندهای اجتماعی درون آنها شکل می‌گیرد. این قواعد نهادی با ایجاد فضایی آکنده از منع و ترغیب، برای کنشگران درون سیستم، تنگناها و فراخ‌ناهایی ایجاد می‌کنند که هم می‌تواند تعالی‌بخش باشد و هم گردابه‌ساز. کنشگران، رفتار خود را با این منع و ترغیب‌ها هماهنگ کرده و از این رفتارهای

همان‌گونه که پدیده‌های اجتماعی ظاهر می‌شود. در نهادها، ساختارها، عادات و ملکات نیز نوعی معرفت نهفته است. معرفت خاصی که با رفتار مرتبط است و با تکرار تحقق پیدا می‌کند و عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری را کاهش می‌دهد. در لایه دوم ریل‌های نیمه‌آشکاری وجود دارند که کنشگران، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته، در آن ریل‌ها قرار می‌گیرند و وابستگی به گذشته را تحکیم می‌بخشند.

لایه سوم: پنهان، انگاره‌ها و دستگاه فکری: لایه سوم عبارتند از انگاره‌ها، طرح‌ها و چارچوب‌های ذهنی هر یک از گروه‌های ذی‌نفع. اینکه انگاره‌ها رقیب یا مکمل و هم‌افزا هستند یا واگرا، اینکه مفاهیم مطرح در گفتمان‌ها توهم‌گرا است یا واقع‌گرا، اینکه سادگی‌ها و پیچیدگی‌ها را چگونه می‌بینند، به‌غناهی دستگاه فکری بازمی‌گردد. معنابخشی به فرصت‌ها و تهدیدهای آینده از طریق دستگاه فکری اتفاق می‌افتد و به‌همین خاطر واکاوی و ارزیابی آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳-۵. بازاندیشی در منطق تشخیص مسأله و ارائه راه‌حل

با توجه به لایه‌های سه‌گانه، سه نوع مواجهه با مسأله و ارائه راه‌حل وجود دارد:

۱. راه‌حل‌های یک‌لایه‌ای: راه‌حل‌های یک‌لایه‌ای ناظر بر بهبودهای موضعی و مقطعی در چارچوب ابزارهای متعارف است. به‌عبارت‌دیگر مسأله در همان سطحی که مشهود و لمس شدنی است ادراک و حل می‌شود.
۲. راه‌حل‌های دولایه‌ای: راه‌حل‌های دولایه‌ای تمرکز بر بافت نهادی و قواعد بازی دارند. این راه‌حل‌ها با نگاهی دوباره به نهادها، قوانین نوشته و نانوشته میدان عمل و قابلیت‌های نامشهود کنشگران ساخته و پرداخته می‌شوند.
۳. راه‌حل‌های سه‌لایه‌ای: در لایه سوم راه‌حل‌های تولیدشده براساس بازاندیشی انتقادی و خلاقانه در ساختارهای عمیق‌تر نظیر مفروضات بنیادین و الگوهای ذهنی، چارچوب‌های مرجع، استعاره‌ها و اسطوره‌ها و در یک کلمه انگاره‌هایی که نظام معنایی و هویت کنشگران را می‌سازند شکل می‌گیرد.

این چهارچوب نظری، اختیار کنشگران را سلب نمی‌کند و جبرگرایی را نمی‌پذیرد، و لایه‌های نیمه‌آشکار و پنهان شاکله را در واقع، انباشت اراده‌ها و اختیارات ذخیره‌شده

در ساختارها و انگاره‌ها تلقی می‌کند که کنش‌های درجه اول و یک‌لایه‌ای کنشگران را شکل می‌دهد و تا زمانی که راه‌حل‌های دولایه‌ای و سه‌لایه‌ای تولید نشوند، رفتار غالب کنشگران، بیش از هر چیزی تحت تأثیر ساختارها و انگاره‌های گذشته خواهد بود (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۹). تشخیص به‌هنگام زمان تولید راه‌حل‌های دولایه‌ای و سه‌لایه‌ای در موفقیت آن بسیار مؤثر است؛ به‌ویژه در محیطی که عدم قطعیت و پیچیدگی زیادی در آن وجود داشته باشد (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۲، ص. ۲۰).

۶. اعتبارسنجی

به‌منظور اعتباربخشی به یافته‌های این پژوهش و تکمیل مفاهیم یافت شده، گروه کانونی مورد کاربرد قرار گرفت. گروه‌های کانونی یکی از انواع مصاحبه گروهی است که از تعامل میان مشارکت‌کنندگان در پژوهش به‌منظور ایجاد داده بهره می‌برد. اگرچه مصاحبه‌های گروهی، اغلب به‌عنوان یک‌راه آسان و سریع برای جمع‌آوری هم‌زمان داده از گروهی از افراد به‌کار می‌روند، گروه‌های کانونی، تعامل گروهی را به‌عنوان بخشی از روش در نظر می‌گیرند. بدین معنی که به‌جای اینکه پژوهشگر از هر فرد بخواهد که به‌نوبه خود به سؤال پاسخ گوید، آنها را تشویق به گفتگوی با یکدیگر می‌نماید، مانند سؤال پرسیدن، ردوبدل کردن داستان‌ها و اظهارنظر در خصوص تجربه‌ها و دیدگاه‌های یکدیگر. این روش، به‌ویژه جهت کشف دانش و تجربه افراد سودمند است و می‌توان آن را برای بررسی نه‌تنها اینکه افراد چه فکر می‌کنند بلکه چگونگی و چرایی نحوه تفکر آنها نیز مورد کاربرد قرارداد (Kitzinger, 1995, p. 14).

مشخصات گروه کانونی به‌کاررفته در این پژوهش، در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): مشخصات گروه کانونی برای تأیید یافته‌ها و تکمیل مفاهیم

ردیف	تخصص (حوزه فعالیت)	تعداد افراد (نفر)	میانگین سابقه کار مرتبط (سال)	زمان تخصیص یافته (نفر ساعت)
۱	محقق و مدرس در حوزه بانکی	۹	۲۱	۲
۲	وزیر اقتصاد	۱	۳۳	۱/۵

ردیف	تخصص (حوزه فعالیت)	تعداد افراد (نفر)	میانگین سابقه کار مرتبط (سال)	زمان تخصیص یافته (نفر ساعت)
۳	نماینده مجلس (کمیسیون اقتصادی)	۱	۲۸	۲
۴	رئیس کل بانک مرکزی	۲	۳۰	۱/۵
۵	مدیر ارشد بانک مرکزی	۳	۲۹	۱/۵
۶	مدیرعامل بانک	۳	۲۵	۱/۵
۷	مدیر ارشد بانک	۶	۱۴	۳

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول (۲) مشهود است، در گروه کانونی دو گروه از خبرگان حضور دارند. گروه اول که تعدادی از حاملان روایت‌ها هستند و روایت‌های ارائه شده در این پژوهش حاصل مصاحبه فردی با ایشان و تعداد دیگری از خبرگان است، باورپذیری هر روایت را تأیید می‌نمایند. گروه دوم که تحلیل‌گران و متخصصان این حوزه هستند نیز روایت‌ها را مبتنی بر دانش خود تصدیق می‌نمایند.

۷. نتایج و یافته‌های پژوهش

۷-۱. مصاحبه‌ها

مشخصات مصاحبه‌شوندگان و خلاصه مصاحبه‌ها در جداول (۳) و (۴) ارائه شده‌اند.

جدول (۳): مشخصات مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه	مصاحبه‌شونده	سنوات سابقه کار مرتبط
۱	محقق حوزه بانکی (نویسنده و منتقد)	۱۶
۲	مدرس حوزه بانکی (استاد مدیریت مالی)	۲۳
۳	مدرس حوزه بانکی (استاد اقتصاد کلان)	۲۵
۴	مدیر ارشد بانک (بانک خصوصی)	۱۹
۵	مدیرعامل بانک (بانک خصوصی)	۲۶
۶	مدیرعامل بانک (بانک دولتی)	۲۳

شماره مصاحبه	مصاحبه‌شونده	سنوات سابقه کار مرتبط
۷	مدرس حوزه بانکی (استاد حسابداری بانکی)	۲۰
۸	مدیر ارشد بانک (بانک خصوصی)	۱۰
۹	نماینده مجلس (کمیسیون اقتصادی)	۲۸
۱۰	رئیس کل بانک مرکزی	۳۸
۱۱	محقق حوزه بانکی (پژوهشگر بازار سرمایه)	۱۲
۱۲	مدیر ارشد بانک مرکزی (حوزه اقتصادی)	۳۰
۱۳	رئیس کل بانک مرکزی	۳۴
۱۴	وزیر	۳۳
۱۵	مدیر ارشد بانک (بانک خصوصی)	۱۸
۱۶	مدیر ارشد بانک (بانک نیمه‌دولتی)	۱۰
۱۷	مدیر ارشد بانک (بانک تخصصی)	۱۲
۱۸	محقق حوزه بانکی (نویسنده و منتقد)	۱۸
۱۹	محقق حوزه بانکی (نویسنده و منتقد)	۲۶
۲۰	مدیر ارشد بانک (بانک دولتی)	۱۴
۲۱	مدیر ارشد بانک مرکزی (حوزه مشاوران)	۳۱
۲۲	مدرس حوزه بانکی (استاد اقتصاد کلان)	۲۷
۲۳	مدیر ارشد بانک مرکزی (حوزه نظارت)	۲۴
۲۴	محقق حوزه بانکی (پژوهشگر بازار پول)	۲۰
۲۵	مدیرعامل بانک (بانک نیمه‌دولتی)	۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۴): خلاصه مهم‌ترین گزاره‌های کلامی در مصاحبه‌ها

شماره مصاحبه	خلاصه مهم‌ترین گزاره‌های کلامی	ردیف
۱۸-۲۱- ۵-۱۴- ۱-۲	متورم شدن دولت باعث کوچک شدن و تضعیف بخش خصوصی و در نتیجه افزایش تعهدات دولت نسبت به مردم در زمینه اشتغال‌زایی و فراهم نمودن امکانات موردنیاز آنها می‌شود.	۱

شماره مصاحبه	خلاصه مهم‌ترین گزاره‌های کلامی	ردیف
۱۷-۲۳ ۹-۱۳ ۶-۸	دولت برای پاسخگویی به خواسته‌های روزافزون مردم و جلوگیری از ایجاد بحران، مجبور به گسترش قدرت و اختیار خود است و در این مسیر متوسل به اعمال سلیقه و نظر در سیاست‌های پولی می‌شود که این موضوع استقلال بانک مرکزی را مخدوش می‌سازد.	۲
۲۱-۲۵ ۵-۱۲	در صورت ورود دولت به سیاست‌های پولی انبساطی برای تأمین منابع موردنیاز خود، استقلال بانک مرکزی زیر سؤال می‌رود. به‌واسطه این ضعف، جایگاه بانک مرکزی در نظام بانکی نیز متزلزل می‌شود و توان نظارتی آن محدود و در نتیجه امکان مقابله با تخلفات به‌صورت کلی نیز تقلیل می‌یابد.	۳
۲۳-۲۵ ۱۴-۱۹	در صورت ایجاد تورم و بالا رفتن هزینه‌های تولید، قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی افزایش می‌یابد و در نتیجه واردات کالا توجیه اقتصادی پیدا می‌کند که استمرار این امر منجر به ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و در نتیجه تضعیف فعالان اقتصادی داخلی می‌شود. در این صورت برای بار دیگر، تعهدات دولت به جهت ایجاد اشتغال و تأمین معیشت مردم افزایش می‌یابد.	۴
۲۴-۲۵ ۱۸-۱۹ ۱۶	با افزایش اندازه دولت، نیاز مالی دولت نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه دولت مجبور به استقراض از بانک‌ها می‌شود و با افزایش بدهی‌های دولت به‌واسطه پرداخت اصل و سود تسهیلات، در واقع تعهدات دولت روبه‌روز افزایش می‌یابد.	۵
۱۴-۲۲ ۱۰-۱۳ ۳-۴	بانک مرکزی پس از تدوین مقررات و ابلاغ آنها به بانک‌ها، جلوگیری از تخلف توسط بانک‌ها را پیگیری می‌نماید و اینکار را با ابزارها و روش‌های خود پیش می‌برد. از سوی دیگر بانک‌ها از طرق مختلف، سعی در کاهش این فشار دارند.	۶
۱۷-۲۱ ۹-۱۶ ۴-۸	بزرگترین جریمه ممکن برای یک بانک، ابطال مجوز آن است که بانک مرکزی این ریسک را بعضاً به بانک‌ها گوشزد می‌کند، لکن بانک مرکزی با استحضار به مخاطرات و عواقب اجتماعی این رویکرد، از آن استفاده نمی‌کند.	۷
۲۳-۲۵ ۳-۱۵	علی‌رغم محدودیت‌های کتتری بانک مرکزی، بانک‌ها به‌دلیل تأمین منافع کوتاه‌مدت و به‌طور مشخص به‌منظور ارائه EPS موردقبول سهامداران در سال مالی، انگیزه تخلف خواهند داشت. این انگیزه بعضاً به‌دلیل شرایط خاص تشدید نیز می‌شود.	۸

شماره مصاحبه	خلاصه مهم ترین گزاره های کلامی	ردیف
۲۰-۲۴-۱۶-۱۹-۲-۷	وقتی بانک مرکزی بدون توجه به شرایط اقتصادی کشور یا بدون نگاه به توان واقعی بانکها در اجرای قوانین و مقررات، اقدام به وضع مقررات می نماید، بانکها ناخواسته تمایل به تخلف خواهند داشت.	۹
۱۷-۲۱-۹-۱۴-۱-۸	با توجه به عدم اجرای دقیق و سخت گیرانه قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی، مدیران عامل بانکها به واسطه خواست سهامداران، مجبور به انجام تخلف خواهند شد.	۱۰
۱۵-۱۷-۵-۷	به واسطه ضعف دستگاه قضا در شناسایی و برخورد با تسهیلات گیرندگان متخلف، انگیزه ایشان برای تکرار تخلف، افزایش می یابد. این موضوع به واسطه بالا بردن مطالبات، باعث کاهش ظرفیت تسهیلات دهی بانکها می شود.	۱۱
۱۷-۲۳-۱۰-۱۳-۸-۹	منابع موجود در بانکها، به واسطه نفوذ سهامداران آنها در تعیین هیأت مدیره و مدیرعامل، بین سهامداران تقسیم می شود. با این اتفاق، منابع برای سایر متقاضیان کم می شود و نیاز جاری به منابع در سطح بازار افزایش می یابد. با این رویکرد، سازمانهای نیازمند به منابع تلاش می کنند تا با تأسیس بانکی تحت نظر خود، مشکل تأمین منابع را مرتفع نمایند.	۱۲
۱۶-۲۱-۴-۶-۷	با توجه به دسترسی سهامداران به منابع بانک، میل به توسعه در آنها ایجاد می شود که این گرایش منجر به توسعه واقعی کسب و کار آنها و در نتیجه نیاز به استفاده از منابع بانک (توزیع منابع میان سهامداران) می شود.	۱۳
۲۳-۲۵-۱۴-۲۰-۱۰	با تأسیس هر بانک جدید، رقابت در میان بانکها شدت می گیرد؛ این رقابت باعث کاهش حاشیه سود بانکها و در نتیجه کاهش سودآوری بانک می شود که میزان سودآوری بانک در علاقه به بانکداری و در نتیجه تأسیس بانک جدید تأثیرگذار خواهد بود. البته صدور مجوز از سوی بانک مرکزی در تمام مفروضات فوق تأثیر جدی و اساسی دارد.	۱۴
۱۷-۲۴-۱۱-۱۲-۱-۴	هنگامی که منابع جدید در بازار بانکی در دسترس قرار می گیرند (و حتی در بعضی مواقع برای جذب منابع موجود در بانکها)، رقابت بین بانکها برای جذب این منابع درمی گیرد و به واسطه سودمحور بودن سپرده گذار باعث افزایش نرخ سود و در نتیجه	۱۵

شماره مصاحبه	خلاصه مهم‌ترین گزاره‌های کلامی	ردیف
	بالارفتن هزینه تأمین مالی می‌شود. این افزایش خود بر دسترسی به منابع جدید اثر مثبت دارد.	
۱۸-۲۱- ۵-۸-۹	رقابت برای تجهیز منابع باعث بالارفتن هزینه پول می‌شود. بعضاً بانک‌ها به‌منظور مقابله با این پدیده توافق می‌کنند که نرخ سود را از میزان معینی بالاتر نبرند.	۱۶
۱۸-۲۳- ۱۰-۱۲- ۳-۸	از آنجاکه اساس اقتصاد کشور، یک اقتصاد دولتی است و در نتیجه بزرگترین مشتری بالقوه هر بانک، دولت است و به‌دلیل اینکه دولت به‌واسطه نفوذ فراگیر امکان تحمیل خواسته‌های خود بر بانک‌ها دارد، بانک‌ها ناچار به دولت وابسته می‌شوند.	۱۷
۱۹-۲۱- ۱۴-۱۷- ۹	دولت با آگاهی وابستگی بانک‌ها به خود، تسهیلات تکلیفی را به بانک‌ها تحمیل نموده و بدهی خود به بانک‌ها و وابستگی آنها به خود را بالا و بالاتر می‌برد.	۱۸
۱۹-۲۳- ۷-۸-۱۱	دولت با واگذاری شرکت‌های خود به بانک تا حدودی میزان بدهی و تعهد خود را تعدیل می‌نماید.	۱۹
۱۹-۲۵- ۸-۱۲	دستگاه قانون‌گذار و ناظر با ابلاغ عقود اسلامی سعی در اشاعه بانکداری بدون ربا داشته‌اند. در صورتی‌که قواعد مربوط به عقود اسلامی در بانک‌ها رعایت شود، اعتماد بین مشتری و بانک افزایش می‌یابد و این موضوع منجر به افزایش شفافیت می‌گردد.	۲۰
۱۷-۲۴- ۷-۱۳- ۲-۵	بالاتر رفتن شفافیت در بانک‌ها احتمال موفقیت عقود و در نتیجه پایبندی به آن را افزایش می‌دهد.	۲۱
۱۸-۲۰- ۶-۸	در صورت پایبندی واقعی به عقود اسلامی و ارائه خدمات طبق هدف و روح اصلی این عقود، توزیع اعتبارات به‌صورت دقیق‌تر انجام می‌شود. با توزیع دقیق و صحیح اعتبارات، افزایش ثبات در شاخص‌های اقتصادی رخ می‌دهد.	۲۲
۱۹-۲۳- ۱۱-۱۳- ۲-۸	دلیل تمایل به سفته‌بازی، سودآوری آن است. با بالارفتن ثبات شاخص‌های اقتصادی، سفته‌بازی، سودآور نخواهد بود و با کاهش میل به سفته‌بازی، پایبندی به عقود اسلامی افزایش می‌یابد.	۲۳

شماره مصاحبه	خلاصه مهم ترین گزاره های کلامی	ردیف
۱۸-۲۵ ۱۰-۱۳ ۴-۷	یکی از معضلات اساسی نظام بانکی، فقدان باور سیاست گذاران به اثربخش آن است. در صورت اثبات عملیاتی و اجرایی روش های مورد استفاده در بانکداری، اعتبار این روش ها بالا خواهد رفت و با افزایش اعتبار، باور به کارکرد روش های اسلامی در سیاست گذاران نظام بانکی و همچنین پایبندی و نظارت بر عقود نیز افزایش می یابد.	۲۴
۱۹-۲۱ ۸-۱۴-۱۷	به واسطه توان نظارتی پایین بانک مرکزی، امکان اعطای اختیارات زیاد به بانک ها وجود ندارد؛ چراکه بانک مرکزی با توجه به توان نظارتی خود امکان رصد حرکات بانک ها را ندارد و در صورت تخلف متوجه نمی شود.	۲۵
۲۰-۲۳ ۸-۱۸ ۲-۳	به واسطه عدم اعطای اختیار به بانک ها، تنوع محصولات و در نتیجه شفافیت در نحوه ارائه آنها پایین خواهد بود. بدیهی است با پایین بودن شفافیت محصولات بانکی، دستگاه نظارتی نیز امکان نظارت دقیق و صحیح را نخواهد داشت.	۲۶
۱۷-۲۱ ۱۱-۱۳ ۴-۸	به واسطه کاهش تنوع در محصولات، امکان تفکیک مشتری بر حسب ریسک کاسته می شود. از آنجاکه بانک امکان تفکیک مشتریان بر ریسک از کم ریسک را ندارد، به ناچار به سمت قیمت گذاری یکسان برای تمام مشتریان می رود. در این حالت، مشتریان پر ریسک، تمایل بیشتری به دریافت تسهیلات و خدمات بانکی خواهند داشت.	۲۷
۲۰-۲۱ ۹-۱۱-۱۹	در صورت امکان تفکیک مشتریان و کسب و کارها مبتنی بر ریسک، امکان تبعیض نرخ و اعطای تسهیلات به کسب و کارهای کم ریسک، با نرخ پایین تر فراهم می شد.	۲۸
۲۱-۲۳ ۱۲-۱۹ ۱-۸	فقدان مکانیزم تمایز مشتریان بر حسب ریسک، منجر به افزایش مطالبات معوق می شود.	۲۹
۱۷-۲۵ ۷-۹-۱۵ ۴	به دلیل تمایل بانک ها به عدم افشای مشکلات داخلی بانک (نظیر مطالبات معوق و مشکوک الوصول)، شفافیت در اطلاعات به شیوه ای کاملاً نامحسوس کاهش می یابد.	۳۰
۱۷-۲۵ ۱۴-۱۵ ۲-۸	بانک مرکزی به منظور اعمال قانون و بانک ها برای برخورد های فراقانونی در حال زور آزمایی هستند.	۳۱

منبع: یافته های تحقیق

۲-۲. تحلیل چندلایه‌ای (سه لایه‌ای) کنشگران

براساس مصاحبه‌ها و گروه کانونی، چند کنشگر اصلی درگیر در مسأله شناسایی و الگوی سه لایه‌ای آنها تکمیل شد.

کنشگران، به افراد، گروه‌ها سازمان‌ها و... گفته می‌شود که قادر به تصمیم‌گیری و اقدام هستند (Burns, Baumgartner, & DeVille, 1985, p. 26). کنشگران، از طریق پیوندهای اجتماعی، به یکدیگر متصل می‌شوند (Wasserman & Faust, 1994, p. 35) درواقع، کنشگران عناصری دارای اراده هستند که با کنش‌ها و واکنش‌های خود بروضعیت پیچیده تأثیرگذارند و مانع تغییر تعادل فعلی به تعادل جدید می‌شوند. کنشگران شناسایی‌شده در مسأله این پژوهش عبارتند از: دولت (قوه مجریه)، مجلس (قوه مقننه)، دستگاه قضا (قوه قضائیه)، بانک مرکزی؛ بانک‌های دولتی؛ بانک‌های خصوصی، جامعه ایرانی (مشتریان خرد نظام بانکی) و مشتریان کلان نظام بانکی.

پس از شناسایی کنشگران، می‌توان پیکره‌ای برای هر کنشگر متصور شد. شامل انگاره‌ها که دستگاه معرفتی کنشگر برای درک اتفاقات پیرامونی است؛ ساختار که قواعدی است که کنشگر خواسته یا ناخواسته در آن قواعد می‌تواند تحرک داشته باشد و رفتار که عملکرد کنشگر براساس درک او از پیرامون و در چهارچوب قواعد است. الگوی سه لایه‌ای کنشگران این مسأله در جدول (۵) تا (۱۲) ارائه شده است. همچنین، در این مرحله، روابط بین کنشگران براساس چیدمان سه لایه‌ای آنها و در قالب جملات روایت گونه و با دیدگاهی خلاقانه و نقادانه بیان می‌گردد. درواقع از مسأله پیچیده لایه-برداری می‌گردد تا زوایای آن و فضای آینده ترسیم گردد.

پیش از ارائه تحلیل سه لایه‌ای، کنشگران را به سه گروه عمده می‌توان تقسیم نمود. گروه اول، کنشگران حاکمیت که نقش سیاست‌گذار و ناظر را برعهده دارند. بخش سیاست‌گذاری کنشگران حاکمیت شامل دولت، مجلس و در برخی قسمت‌ها بانک مرکزی است و بخش ناظر کنشگران حاکمیت شامل قوه قضائیه و بانک مرکزی است. دومین گروه کنشگران، بانک‌ها (اعم از دولتی یا خصوصی) هستند که نهاد اجرایی نظام بانکی هستند. سومین گروه کنشگران، مشتریان نظام بانکی هستند که خود به دودسته مشتریان خرد و کلان تقسیم می‌شوند. در ابتدا به کنشگران حاکمیت می‌پردازیم.

جدول (۵): الگوی سه لایه‌ای دولت (قوه مجریه)

<p>رفتار</p>	<ul style="list-style-type: none"> • تضعیف بخش خصوصی و افزایش تعهدات فعلی و آتی دولت. • استقراض دولت از بانک‌ها برای انجام طرح‌های غیراقتصادی. • الزام بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تکلیفی به اقشار محروم. • تحمیل سیاست‌های پولی به بانک مرکزی. • بخشی‌نگری و قشری‌نگری؛ ارائه سیاست‌های از جنس مسکن‌های لحظه‌ای.
<p>ساختار</p>	<ul style="list-style-type: none"> • تعیین رئیس کل بانک مرکزی توسط دولت (وزیر یا رئیس‌جمهور). • تملک بانک‌های دولتی. • گسترش همه‌جانبه دولت (به‌ظاهر کوچک‌سازی؛ در باطن گسترش). • فرایندها و راه‌حل‌های گذرا و ناکارآمد.
<p>انگاره</p>	<ul style="list-style-type: none"> • بانکداری دولت؛ وظیفه اصلی بانک مرکزی. • بانک‌های دولتی؛ ابزار ارائه تمامی خدمات مالی دولت. • مردم ولی‌نعمت دولت و دولت پاسخگو به مردم. • مهم‌ترین اصل؛ حفظ نظام (پیشگیری از هرگونه بحران یا اعتراض). • مستضعفان؛ صاحبان اصلی نظام (ضرورت حمایت از قشر آسیب‌پذیر).

منبع: یافته‌های تحقیق

دولت به‌واسطه نگاه عمومی که داشته است و به‌واسطه فقدان زیرساخت‌های لازم (ازجمله بخش خصوصی توانمند در حوزه اقتصادی) و همچنین به‌دلیل تسلط دولت بر مهم‌ترین منبع درآمدی کشور (فروش نفت)، مجبور به اقداماتی در راستای رفع نیازهای عمومی شده است که بخش زیادی از آن توجیه و صرفه اقتصادی ندارد؛ لذا دولت مجبور به تحت‌کنترل قرار دادن تمامی منابع بوده است. دولت بر خود فرض می‌داند که به‌طور عام، نسبت به‌خواسته‌های معیشتی مردم پاسخگو باشد و به‌طور خاص حمایت از قشر آسیب‌پذیر را پیگیری نماید (لایه سوم؛ انگاره‌ها). اما متأسفانه به لحاظ ساختاری و فرآیندی، کارآمدی لازم را ندارد و به‌واسطه ضعف در به‌کارگیری از ساختار موجود، انجام این مهم منجر به گسترش ناملموس دولت می‌شود (لایه دوم؛ ساختارها). گسترش ناخواسته دولت، موجب می‌شود که تعهدات دولت افزایش یابد و ناخودآگاه به‌واسطه حضور پررنگ دولت در تمامی عرصه‌ها (حتی زمینه‌هایی که ارتباط مستقیم به دولت ندارند)، بخش خصوصی تضعیف گردد (لایه اول؛ رفتارها).

انگاره دیگری که به تقویت انگاره ضرورت حمایت از قشر آسیب‌پذیر نیز کمک می‌کند، این است که دولت، بانک مرکزی را مسئول بانکداری دولت می‌داند. دلیل این نگاه، همان کنترل منابع برای پاسخگویی است. با توجه به تعیین رئیس کل بانک مرکزی توسط دولت (در این مورد تفاوتی بین وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس‌جمهور نیست؛ چراکه هر دو از اعضای دولت هستند)، عملاً استقلال بانک مرکزی معنای اجرایی و عملیاتی نمی‌تواند داشته باشد و دولت به‌نحوی که بتواند مشکلات کوتاه‌مدت خود را حل نماید، در سیاست‌های پولی مداخله می‌نماید.

در نهایت، با وجود انگاره استفاده از بانک‌های دولتی جهت ارائه خدمات دولتی (در اینجا مقصود خدماتی است که توجیه اقتصادی ندارند و از جنس خدمات اجتماعی دولت هستند) و با توجه به مالکیت این بانک‌ها توسط دولت، دو پدیده دیگر رخ می‌دهد. اولین رخداد، استقراض دولت از بانک‌های دولتی است که عمدتاً این استقراض جهت تأمین هزینه‌های پروژه‌های غیرسودده دولتی است. دومین اتفاق، تخصیص تسهیلات به اشخاصی است که قدرت بازپرداخت آنها را ندارند (بانک‌ها به این‌گونه تسهیلات، تسهیلات تکلیفی می‌گویند). این دو پدیده موجب بدهی بیش‌ازپیش دولت به بانک‌ها و کاهش جدی قدرت اعطای تسهیلات از سوی بانک‌ها می‌شود.

جدول (۶): الگوی سه لایه‌ای مجلس (قوه مقننه)

رفتار	<ul style="list-style-type: none"> معرفی افراد جهت اخذ تسهیلات و خدمات بانکی. تصویب قوانین ناسازگار با شرایط کنونی کسب‌وکار بانکی. دخالت در عزل و نصب‌های نظام بانکی.
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> مردم حوزه انتخابیه؛ انتخاب‌کنندگان نماینده مجلس (حضور کم‌اثر احزاب). امکان طرح سؤال (یا حتی استیضاح) وزیر. فقدان نظام ارزیابی عملکرد برای قوانین (سنجش میزان کارآمدی قوانین).
انگاره	<ul style="list-style-type: none"> رضایت مردم حوزه انتخابیه؛ شرط لازم برای حضور در مجلس. مستضعفان؛ صاحبان اصلی نظام (ضرورت حمایت از قشر آسیب‌پذیر).

منبع: یافته‌های تحقیق

نمایندگان مجلس یا به عبارتی بدنه قانون‌گذار کشور نیز با دو انگاره خود، این بازی پیچیده مرکب را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌نمایند. اولین انگاره نمایندگان (که شبیه انگاره دولت نیز است) حمایت از مردم به صورت عام (و البته پشتیبانی قشر آسیب‌پذیر اجتماع به طور خاص) و دومین انگاره، ایجاد رضایت موکلین (رأی‌دهندگان حوزه انتخابی) است (از حیث منطقی، دلیل اصلی انگاره دوم، وابستگی حضور نماینده در مجلس به رأی مردم حوزه انتخابیه است). حال این دو انگاره با توجه به ساختار تقسیم قدرت در کشور، که در آن نمایندگان مجلس از طریق رأی دادن به یک طرح یا از طریق سؤال از (یا استیضاح) وزیران، امکان اعمال فشار بر دولت را دارند (و البته به واسطه فقدان ابزار یا روشی برای سنجش صحت و اثربخشی قوانین مصوب^۱)، رفتارهای خاص نمایندگان را به دنبال دارد. این ساختار موجب می‌شود نمایندگان نیز توصیه‌های لازم‌الاجرائی از طریق دولت برای بانک‌ها داشته باشند. نمایندگان مجلس به واسطه پاسخگویی محلی و بومی خود به نوعی باعث گسترش تعهدات دولت می‌شوند. به عبارت دیگر، معرفی افراد نامناسب برای أخذ وام یا حتی دخالت در عزل و نصب‌های بانکی از طریق اعمال نفوذ از کانال دولت توسط نمایندگان، بر پیچیدگی این بازی می‌افزاید.

جدول (۷): الگوی سه لایه‌ای دستگاه قضا (قوه قضائیه)

رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • عدم برخورد مناسب با متخلفان بانکی (بدهکاران بانکی). • تأخیر در ارائه نتیجه قضاوت. • صدور احکام غیرپیشگیری‌کننده برای متخلفان.
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> • ساختار غیرتخصصی قضاوت (فقدان تسلط به قراردادها و قوانین بانکی). • کمبود منابع انسانی لازم جهت رسیدگی به پرونده‌ها.
انگاره	<ul style="list-style-type: none"> • ایفاء حقوق مظلوم از ظالم (حمایت از تسهیلات‌گیرنده به دلیل توجیحات شرعی). • بانک؛ نهاد مالی ثروتمند رانت‌خوار (شاید هم رباخوار!). • برخورد با رانت‌خواری و رباخواری.

منبع: یافته‌های تحقیق

رویکرد قوه قضائیه در این زمین‌بازی، موضوع را بیش‌ازپیش دچار پیچیدگی می‌کند. انگاره‌های اصلی دستگاه قضا، ایفاء حق مظلوم از ظالم و برخورد جدی با زیرپا گذاشتن حدود شرعی است. همان‌گونه که در بخش بررسی ادبیات نیز ذکر شد، هنوز بسیاری از افراد، بانکداری موجود در کشور را اسلامی یا حتی بدون ربا نمی‌دانند (بدنه قوه قضائیه از این نکته مستثنی نیست). لذا این موضوع، در کنار انگاره‌های اساسی دستگاه قضا و همچنین به‌واسطه فقدان دانش روزآمد در زمینه بانکداری (علی‌رغم تشکیل دادگاه‌های تخصصی مالی و استفاده از کارشناسان خبره دادگستری در زمینه‌های مالی) موجب صدور احکامی می‌شود که بانک‌ها را بیش‌ازپیش دچار مشکل می‌کند. اگر به‌مورد فوق، کمبود اساسی منابع انسانی در دستگاه قضا نیز افزوده شود، تأخیر در صدور آراء قضایی و عدم تعیین تکلیف یک پرونده نیز ایجاد اشکال جدی در نظام بانکی می‌نماید. لذا عدم برخورد جدی با متخلفان منجر به گسترش بیش‌ازپیش این جنس تخلف و در نتیجه افت ظرفیت تسهیلات‌دهی نظام بانکی می‌شود.

جدول (۸): الگوی سه لایه‌ای بانک مرکزی

رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • کنترل ضعیف و غیرنظام‌مند بانک‌ها و مؤسسات مالی. • عدم حمایت از تخصصی شدن بانک‌ها. • عدم استقبال و حمایت از ارائه محصولات جدید و متنوع توسط بانک‌ها. • مسامحه در مقابله جدی با تخلفات بانک‌ها (به‌طور مثال لغو مجوز).
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌ریزی لحظه‌ای و بی‌توجهی به اثرات بلندمدت سیاست‌ها. • فقدان نظام لازم برای دانش‌افزایی و روزآمدسازی تصمیم‌گیرندگان. • فرآیندهای پیچیده و ناکارآمد. • ابزارها و قوانین سنتی. • تمرکز ساختاری بالا در قوانین و محصولات بانکی.
انگاره	<ul style="list-style-type: none"> • حفظ انسجام نظام بانکی و حل مشکلات احتمالی (حتی در صورت وجود مشکل بازپرداخت دیون در یک مؤسسه مالی!). • دستگاه ناظر نظام بانکی در مسیر تحقق خواسته‌های دولت.

منبع: یافته‌های تحقیق

یکی دیگر از کنشگران مهم در این بازی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. بانک مرکزی، به عنوان یکی از اجزای حاکمیت، علاوه بر اثر پذیرفتن از انگاره‌های اساسی سه قوه (مجریه، مقننه و قضائیه)، به دنبال حفظ انسجام و حل مشکلات احتمالی بانک‌ها نیز است و این انگاره بعضاً تا جایی گسترش می‌یابد که مدیران ارشد بانک مرکزی، خود را موظف به حل مشکلاتی می‌دانند که در ایجاد آن بی‌تقصیر (یا کم‌تأثیر) بوده‌اند. از سوی دیگر، انگاره نظارت بر نظام بانکی در مسیر تحقق خواسته‌های اصلی و اساسی دولت (همان انگاره‌های دولت)، نگاهی است که بعضاً با انگاره اول نیز دچار تضاد می‌شود؛ چراکه ممکن است برخی خواسته‌ها و انگاره‌های دولت (همان‌گونه که در چند پاراگراف بالا توضیح داده شد) منجر به ایجاد اشکالات اساسی در نظام بانکی شود.

حال با اشاره به انگاره‌های فوق و با توجه به مسائل ساختاری نظیر برنامه‌ریزی‌های لحظه‌ای (مثل تعیین و تثبیت نرخ سود بانکی) بدون توجه به اثرات و تبعات بلندمدت آن، فقدان فرآیندها و دانش کارآمد و روزآمد در زمینه نظارت و سیاست‌گذاری و در نهایت قوانین سنتی و دست‌وپاگیر، منجر به بروز اشکالاتی نظیر کنترل ضعیف و غیرنظام‌مند بانک‌ها یا عدم حمایت از نوآوری می‌شود. آنچه علاوه بر موارد فوق می‌تواند باعث ایجاد گردابه شود، مسامحه در برخورد با تخلفات است که به ملاحظه‌گری بانک مرکزی به واسطه انگاره انسجام نظام بانکی برمی‌گردد و می‌تواند باعث جسارت بیش‌ازپیش بانک‌های متخلف و ایجاد مشکلات به مراتب پیچیده‌تر شود. نحوه سیاست‌گذاری بانک مرکزی (به واسطه متولی سیاست پولی دولت بودن) به گونه‌ای بوده است که بانک‌ها توان خود در کسب درآمدهای عملیاتی را از دست داده‌اند و به سمت درآمدهای غیرعملیاتی و سفته‌بازی روی آورده‌اند. فرورفتن در این باتلاق شرایطی را فراهم نموده است که بانک مرکزی در صورت برخورد جدی با بانک‌ها، باعث ورشکستگی آنها می‌شود و در غیر این صورت جسارت برای تخلف افزایش می‌یابد.

حال پس از کنشگران حاکمیت، به کنشگران اجرایی بانک‌ها می‌پردازیم. بانک‌های دولتی و خصوصی، انگاره‌ها، ساختارها و رفتارهای متفاوتی دارند. بانک‌های دولتی با انگاره جزئی از دولت بودن و همچنین ضرورت اجابت خواسته‌های دولت به عنوان

مالک و تصمیم‌گیر و به‌واسطه مسائل ساختاری حاصل از این انگاره که منتج به مشکلات مهمی نظیر فقدان چابکی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، فرآیندهای زمان‌بر، ساختار نامناسب منابع انسانی و در نهایت نبود مکانیزم‌های صحیح و دقیق اعتبارسنجی است با مشکلات متعددی روبرو هستند.

جدول (۹): الگوی سه لایه‌ای بانک‌های دولتی

رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • ارائه خدمات سنتی و ناکارآمد بانکی. • انجام بی‌چون‌وچرای دستورات ناصحیح دولت و بعضاً نمایندگان مجلس از منظر بانکی (به‌طور مثال اعطای تسهیلات بدون توجیه اقتصادی). • برخورد یکسان با مشتریان کم‌ریسک و پرریسک در اعطای تسهیلات. • حضور غیررقابتی در بازار بانکی (سودآوری پائین یا حتی زیان‌دهی).
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌ریزی غیرنظام‌مند و استفاده از منابع دولتی. • فقدان مکانیزم اعتبارسنجی صحیح و دقیق. • فقدان مکانیزم روزآمدسازی دانش بانکی. • ساختار کیفی و کمی نامناسب منابع انسانی. • فرآیندهای زمان‌بر و غیربهره‌ور در ارائه خدمات. • فقدان چابکی به‌دلایل متعدد از جمله ساختار سهامداری.
انگاره	<ul style="list-style-type: none"> • دولت: مالک و تصمیم‌گیر اصلی؛ شرط بقا، راضی نمودن مالک. • بی‌تفاوتی نسبت به عملکرد اقتصادی - مالی بانک.

منبع: یافته‌های تحقیق

آنچه بیش از تمامی مشکلات ساختاری باعث ایجاد اشکال در بانک دولتی شده است و آن را از یک‌نهاد مالی سودآور به سازمانی مطیع دستورات دولت (انگاره) تبدیل نموده است، مسأله استفاده از منابع دولتی کم‌هزینه و در نتیجه بی‌توجهی به برنامه‌ریزی دقیق و صحیح جهت موفقیت است. این مشکل تا جایی باعث لختی و کم‌حرکی بانک می‌شود که بانکی با منابع ارزان را زیان‌ده می‌نماید. مجموع مشکلات موجود در انگاره و ساختار بانک دولتی منجر به ارائه خدمات ناکارآمد می‌شود. این نوع بانک، به‌واسطه ساختار مالکیتی، مجبور به اجرای فرامین غلط (شاید بعضاً درست!) دولت و نمایندگان خواهد بود.

همچنین به واسطه فقدان مکانیزم صحیح اعتبارسنجی، مجبور به برخورد یکسان با مشتریان کم‌ریسک و پرریسک است و در نتیجه استقبال مشتریان کم‌ریسک و رضایت آنان از خدمات دریافتی کاسته خواهد شد.

بانک دولتی برحسب سفارش‌ها و دستورات، منابع خود را در اختیار افرادی می‌گذارد که بر نمی‌گردد و باعث ایجاد و افزایش روزافزون معوقات می‌شود. در این شرایط دولت، بانک مرکزی را وادار به حمایت از بانک‌ها (از طریق نادیده گرفتن قوانینی نظیر سپرده قانونی و...) می‌نماید و در نتیجه وضعیت وخیم‌تر هم می‌شود.

جدول (۱۰): الگوی سه لایه‌ای بانک‌های خصوصی

<ul style="list-style-type: none"> • پیشنهاد سوده‌های بالاتر از قوانین مصوب بانک مرکزی جهت جذب منابع. • ارائه تسهیلات خارج از چارچوب قوانین بانک مرکزی به سهامداران. • تعامل با صاحبان نفوذ و قدرت به منظور تخلف از قوانین. • تعامل با بانک مرکزی در راستای عدم پیاده‌سازی قوانین و مقررات. • سفته‌بازی و ورود به کسب‌وکارهای سودآور غیربانکی. • برخورد یکسان با مشتریان کم‌ریسک و پرریسک در اعطای تسهیلات. 	رفتار
<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و غیرمنسجم. • فقدان مکانیزم اعتبارسنجی صحیح و دقیق. • فقدان مکانیزم روزآمدسازی دانش بانکی. • ساختار کیفی و کمی نامناسب منابع انسانی. • عدم اجرای قوانین مربوط به حاکمیت شرکتی. 	ساختار
<ul style="list-style-type: none"> • سودآوری از طریق تمامی کسب‌وکارهای ممکن (نظیر ساختمان‌سازی). • بانک مرکزی تأمین‌کننده منافع دولت و بی‌توجه به شرایط بانک. • تأمین منابع مالی موردنیاز سهامدار؛ شرط لازم برای بقا و ادامه حیات. 	انگاره

منبع: یافته‌های تحقیق

اگرچه از حیث مسائل ساختاری یا حتی نشانه‌های رفتاری، بانک خصوصی شباهت‌های بسیاری به بانک دولتی دارد، لکن منشأ (یا به عبارتی انگاره) در این نوع بانک با بانک دولتی تفاوت فاحشی دارد. بانک خصوصی به واسطه انگاره اجابت سهامداران (به واسطه عدم پیاده‌سازی دقیق و صحیح قوانین حاکمیت شرکتی - مسأله

ساختاری) مجبور به اطاعت از سهامداران و در نتیجه اعطای تسهیلات خارج از روال به آنان است. همچنین با فرض اینکه بانک مرکزی به دنبال تأمین منافع دولت (و بانک‌های دولتی) است و به شرایط اقتصادی حاکم بر بانک‌های خصوصی توجهی ندارد، به دنبال یافتن راهکارهای تعاملی با (یا به عبارتی نفوذ در) بانک مرکزی است تا سرحد امکان از قوانین آن سرباز زند.

آنچه از موارد فوق درباره بانک‌های خصوصی مهم‌تر است، هدف و انگاره اصلی هر نهاد انتفاعی است که همانا کسب سود می‌باشد. حال با توجه به شرایط ذکر شده در چند پاراگراف فوق، می‌توان این انگاره را بدین نحو بیان نمود که بانک‌های خصوصی به دنبال کسب سود از هر کسب‌وکاری (از جمله بانکداری؛ به شرط سودآوری!) هستند. این معضل، در کنار مشکلات ساختاری (مشابه بانک‌های دولتی) نظیر فقدان ساختار مناسب منابع انسانی و نبود مکانیزم اعتبارسنجی، بانک را مجبور به سفته‌بازی و حضور در کسب‌وکارهای غیربانکی می‌کند. از سوی دیگر به واسطه نبود قدرت تشخیص مشتری مناسب، ترجیح به تخصیص منابع در کسب‌وکارهای کاملاً متعلق به بانک است. آنچه باعث ایجاد گره کور در بانک‌های خصوصی می‌شود، تأمین منابع گران‌قیمت برای تأمین مالی پروژه‌ها و کسب‌وکارهای مربوط به بانک است که این موضوع باعث ایجاد رقابت میان بانک‌های خصوصی و افزایش روزافزون هزینه پول می‌شود. سومین گروه کنشگران، مشتریان بانک هستند. مشتریان بانک به دودسته خرد و کلان تقسیم می‌شوند.

جدول (۱۱): الگوی سه‌لایه‌ای جامعه ایرانی (مشتریان خرد)

رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • پیدایش افراد ثروتمند بدون سابقه تمول خانوادگی. • سپرده‌گذاری در نهادهای مالی با وعده سود بالاتر. • پیگیری جهت اخذ تسهیلات بدون سود یا با سود پائین. • درخواست اخذ خدمات بانکی به صورت رایگان یا با کمترین هزینه. • تخلف بانکی؛ رفتاری کم‌هزینه از منظر اجتماعی.
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> • پذیرش اجتماعی وجود فضای مناسب برای رشد لحظه‌ای و غیرمتعارف. • سست شدن سرمایه اجتماعی (نهادهای غیررسمی) و پررنگ شدن نهادهای رسمی (مثلاً بانک‌ها).

<ul style="list-style-type: none"> • پاسخگویی بانک مرکزی به مشتریان مؤسسات مالی ورشکسته. • ارائه خدمات بانکی رایگان یا کم‌هزینه توسط بانک‌ها. 	
<ul style="list-style-type: none"> • کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی - اخلاقی و اهمیت بیش‌ازحد مادیات. • تأمین تمامی مخارج کشور از محل فروش نفت. • دولت مسئول عملکرد تمامی نهادهای جامعه و پاسخگویی خطاهای آنها. 	<p>انگاره</p>

منبع: یافته‌های تحقیق

مشتریان خرد بانک که در واقع افراد جامعه ایرانی هستند، به واسطه برخی رخدادهای و مشاهدات، دچار دگردیسی ارزشی شده‌اند. به عبارت دیگر، امروزه بخش قابل توجهی از جامعه، اهمیت زیادی برای مادیات قائل هستند. همچنین به واسطه اشکالات ساختاری نظیر فراهم شدن امکان رشد غیرمتعارف برای برخی از افراد جامعه و پیدایش افراد متمول بدون هیچ بنیاد و اساس اقتصادی قبلی، دیگر اعضای جامعه نیز به دنبال کسب سود و درآمد لحظه‌ای هستند. تعبیر این موضوع در بانک به معنی درخواست سپرده‌گذاری با سود بالا یا اخذ تسهیلات با سود پایین است. بدیهی است، این هر دو، تنها در شرایط غیرعادی فراهم خواهد شد. به دیگر بیان، تنها زمانی امکان پرداخت سود بالاتر فراهم می‌شود که قوانین و مقررات نادیده گرفته شود و تنها زمانی امکان پرداخت تسهیلات با نرخ‌های پایین فراهم می‌شود که بانک تحت فشار قرار گیرد (تسهیلات تکلیفی).

دو انگاره درهم‌تنیده که پیچیدگی موضوع مشتریان خرد را بسیار وخیم می‌سازد، بحث باور به مسئولیت دولت در قبال تمامی نهادهای جامعه و جبران تمامی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم (مثلاً هزینه خطای افراد در سپرده‌گذاری در مؤسسات غیرمعتبر و بدون مجوز!) از محل فروش نفت است. این انگاره به واسطه ساختار پاسخگو در بانک مرکزی (جوابگویی بانک مرکزی به مشتریان تمامی نهادها و مؤسسات مالی اعم از مجاز و غیرمجاز) تقویت می‌شود و پیگیری جهت یافتن مؤسسات با پیشنهاد سود بالاتر را دوباره تقویت می‌نماید. به دیگر بیان، در این قالب، مشتری خرد (جامعه) ممکن است در کوتاه‌مدت برنده و موفق به نظر برسند (به واسطه دریافت سود

غیرمتعارف یا تسهیلات ارزان‌قیمت؛ لکن در بلندمدت به‌واسطه معضلات ایجادشده در نظام اقتصادی کشور متضرر خواهند شد.

جدول (۱۲): الگوی سه لایه‌ای مشتریان کلان بانک‌ها

رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • روی آوردن به واردات، دلالی و سفته‌بازی به‌جای تولید. • أخذ تسهیلات بدون توجه به توان بازپرداخت. • تعامل ناسالم با افراد ذی‌نفوذ جهت أخذ تسهیلات (بدون پشتوانه لازم). • بی‌توجهی به شرایط اقتصادی و آینده پیش‌رو.
ساختار	<ul style="list-style-type: none"> • نبود توجه اقتصادی برای تولید. • عدم مقابله جدی با بدهکاران بانکی. • فقدان ساختار مقابله با فساد مالی و اداری در بانک. • اقتصاد بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی.
انگاره	<ul style="list-style-type: none"> • سهم‌خواهی از منابع و منافع کشور. • موفقیت آنی مادی؛ ارزش انکارناپذیر. • اصل گرفتن تسهیلات و فرع (در صورت اضطرار!) بازپرداخت.

منبع: یافته‌های تحقیق

داستان مشتریان کلان بانک قدری متفاوت است. ایشان در سطح انگاره به‌دنبال سهمی از منابع و منافع ملی هستند. از سوی دیگر موفقیت مادی و مالی در ذهن ایشان ارزشی انکارناپذیر است و در ترجمان مشخص این نگاه در بانک به معنی أخذ تسهیلات به هر قیمت و عدم بازپرداخت در شرایط عادی است (در الگوی مربوط به قوه قضائیه دلیل انگیزه عدم بازپرداخت تا حدودی تشریح شد). از سوی دیگر، به‌واسطه اشکالات ساختاری نظیر توجیه‌ناپذیر بودن فعالیت تولیدی و فراهم بودن شرایط و سودآور بودن سفته‌بازی و دلالی و همچنین عدم مقابله جدی با متخلفان (بدهکاران بانکی و کسانی که در أخذ تسهیلات به آنها کمک غیرقانونی نموده‌اند)، مشتریان کلان بانکی، تسهیلات أخذ شده را به سمت دلالی سوق می‌دهند و البته نگرانی هم برای بازپرداخت تسهیلات ندارند.

در این وضعیت که مشتری کلان بانک به واردات متمایل است، بخش مولد اقتصاد به‌طور جدی تضعیف می‌شود و با توجه به ذائقه مصرف‌کنندگان و تمایل آنها به مصرف

کالاهای غیرایرانی، تقاضا نیز برای محصولات داخلی نیز کاهش می‌یابد. با این اتفاق دوباره تمایل به واردات توسط فعالان اقتصادی افزایش می‌یابد و وضعیت وخیم‌تر می‌شود.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

روایت‌های مختلف در بخش نتایج و یافته‌های پژوهش ارائه شدند. به‌طور خلاصه، به‌جز دولت که بازنده همیشگی است و به‌دلیل عدم‌درک بازخوردهای مختلف و به‌واسطه حل لحظه‌ای مشکلات، همواره با چالش روبرو است، دیگر بازیگران در کوتاه‌مدت (یا بعضاً میان‌مدت) منتفع خواهند شد ولی با توجه به توضیحات فوق در بلندمدت قطعاً بازنده خواهند بود.

همان‌گونه که در بخش روش پژوهش ذکر شد، توصیه‌های سیاستی حاصل فهم خلاقانه پژوهش‌گر است که به تأیید گروه کانونی رسیده است. توصیه‌های سیاستی در این موضوع از حیث زمان لازم برای اثربخشی و از منظر اجرایی به دودسته اساسی قابل تقسیم هستند:

اولاً سیاست‌هایی که از جنس فرهنگی- اجتماعی هستند و تأثیرات خود را در قالب تصحیح انگاره‌های نامطلوب و منفی به‌جای می‌گذارند. مهم‌ترین بسته‌های سیاستی پیشنهادی در این بخش عبارتند از:

- فرهنگ‌سازی در راستای تقویت شعائر در سطح عوام و خواص جامعه.
- فرهنگ‌سازی در راستای پذیرش رابطه بین ریسک و بازده در سطح جامعه.
- اصلاح نظام انتصاب یا انتخاب با معیارها و ساختارهای اسلامی- ایرانی.
- ایجاد زیرساخت‌های لازم دانشی و بینشی برای برخورد با مفاسد و تخلفات.
- تقویت مستمر و جهت‌دار بخش خصوصی در راستای خصوصی‌سازی واقعی.
- ایجاد ثبات نسبی اقتصادی به‌منظور فراهم نمودن زمینه فعالیت‌های مولد اقتصادی.
- ایجاد بستر مناسب برای شفاف‌سازی عقود و فعالیت‌ها.
- ایجاد بستر مناسب برای گسترش تنوع محصولات بانکی.

- ثانیاً سیاست‌هایی که انگاره‌های مثبت دارای تأثیرات منفی را مورد توجه قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، انگاره‌هایی که از حیث ارزشی مثبت و مناسب هستند؛ لکن در حین تبدیل به ساختار و رفتار، نظام بانکی را دچار اشکال می‌کنند، در این بخش بایستی بازتعریف شوند. مهم‌ترین بسته‌های سیاستی پیشنهادی در این بخش عبارتند از:
- تأمین استقلال نظام بانکی به‌ویژه بانک مرکزی از طریق انتصاب رئیس‌کل این نهاد توسط یک جایگاه فرادولتی (رهبری یا مجموعه‌ای از اقتصاددانان کشور).
 - ایجاد نظام اعتبارسنجی متمرکز، منسجم و دقیق و الزام بانک‌ها به استفاده از آن.
 - فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت خروج (یا حتی ورشکستگی مؤسسات) متخلف و غیرمجاز به منظور پالایش فضای نظام بانکی.
 - تثبیت و اجرایی نمودن قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی.
 - تقویت نهادهای کمک‌رسان اجتماعی نظیر کمیته امداد توسط دولت.
 - ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه دولتی با بودجه و ظرفیت مشخص.

یادداشت‌ها

۱. عبارت «بانکداری متعارف» به‌منظور معرفی نظام بانکی موجود در اقتصاد کشورهای غیراسلامی استفاده می‌شود و به‌طورکلی به‌نظام بانکی تمامی کشورهایی که در آنها بانکداری اسلامی اجرا نمی‌گردد، اطلاق می‌شود.

2. Adverse Selection

3. Moral Hazard

4. Vera Smith

۵. ذکر این نکته ضروری است که «پیچیدگی مرکب» معادل فارسی کلمه Complexity و «پیچیدگی الگوریتمیک» معادل فارسی کلمه Complicacy است و در این مقاله هرکجا در متن کلمه پیچیدگی آورده شده، منظور پیچیدگی مرکب است، که برای رعایت اختصار، کلمه «پیچیدگی» آورده شده است.

۶. هیچ‌یک از نهادهای نظارتی (شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام)، موظف به سنجش قوانین برحسب میزان اثربخشی در سطح ملی نیستند؛ بلکه این نهادها حداکثر به مغایرت با شرع یا قوانین بالادستی نظیر قانون اساسی می‌پردازند.

کتابنامه

- اصغری، محمود (۱۳۸۴). گذری بر اهداف بانکداری بدون ربا. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۱(۵۳)، ۵۸-۷۶.
- بازمحمدی، حسین (۱۳۸۵). بانکداری اسلامی؛ چالش‌ها در نظریه و اجرا. فصلنامه روند اقتصادی، ۷(۲۵)، ۳۴-۳۶.
- دلاور، علی (۱۳۸۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی دلاور. تهران: رشد.
- دولانی، عباس؛ حریری، نجلا؛ حسن‌زاده اسفنجانی، حافظ‌محمد؛ و ولی‌نژادی، علی (۱۳۹۱). مروری بر پژوهش کیفی و نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی. فصلنامه مدیریت سلامت (مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی)، ۱۵(۴۷)، ۷۷-۹۰.
- صدیقی، محمدنجات‌الله (۱۳۸۹). ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام (حسین میثمی، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق(ع) (نشر اثر اصلی ۲۰۰۵).
- غنی‌نژاد اهری، موسی (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد. تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ و وزیری، جواد (۱۳۹۲ الف). ساخت درونی قدرت ملی، الگوی سه لایه‌ای و رمزگشایی از پیچیدگی مرکب. تهران: معاونت امور راهبردی و اشراف فرماندهی.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ و وزیری، جواد (۱۳۹۲ ب). عقلانیت‌های پایه درگذار به آینده. تهران: پژوهشکده اندیشه دفاعی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
- قانون عملیات بانکداری بدون ربا (۱۳۶۲).
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۳). اقتصاد رشد و توسعه. تهران: نی.
- کاشانی، سیدمحمود (۱۳۸۴). نارسایی‌های حقوقی بانکداری در ایران. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۱(۴۲)، ۹-۶۸.

کمپجانی، اکبر (۱۳۷۳). سیاست‌های پولی مناسب. تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

مشبکی، اصغر (۱۳۷۴). پول، ارز و بانکداری (چاپ ۲). تهران: ماجد.

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰). بانکداری اسلامی نه بانکداری بدون‌ربا. ماهنامه زمانه، ۹ (۱۰۷)

موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۳). بانکداری اسلامی (مبانی نظری - تجارب عملی). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

Burns, T. R., Baumgartner, T., & DeVille, P. (1985). *Man, Decisions, and Society: the Theory of Actor-System Dynamics for Social Scientists*. Gordon and Breach Publishers.

Carson, S. W. (2004). Mises Economics Blog; The Rationale of Central Banking by Vera Smith.

Fischer, S. (1994). Modern Central Banking, Chapter 2, Caipé.

Inayatullah, S. (2005). Causal Layered Analysis- Deepening the Future. *Questioning the Future: Methods, and Tools for Organisational and Societal Transformation*.

Inayatullah, S. (1998). Causal Layered Analysis: Poststructuralism as Method. *Futures*, 30(8), 815-829.

Kitzinger, J. (1995). Qualitative Research: Introducing Focus Groups. *Bmj*, 311(7000), 299-302.

Nacaskul, P., Janjaroen, K., & Suwanik, S. (2012). Economic Rationales for Central Banking: Historical Evolution, Policy Space, Institutional Integrity, and Paradigm Challenges, BOT Symposium, September, 24.

Schein, E. H. (1985). *Organisational Culture and Leadership: A Dynamic View*. San Francisco.

Smith, V. (1990). *The Rationale of Central Banking*, Liberty Press, Indianapolis.

Wasserman, S., & Faust, K. (1994). *Social Network Analysis: Methods and Applications* (Vol. 8). Cambridge University Press.

Williamson, O. E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613.

<http://www.dictionary.cambridge.org>

<http://www.collinsdictionary.com>

<http://www.etymonline.com>

<http://www.merriam-webster.com>

<http://www.oxforddictionaries.com>